

گذر زمان به نفع تهران

مذاکرات هسته‌ای به کجا خواهد رسید؟

ماجرای توافق هسته‌ای ایران و گروه ۱+۵ حالا دیگر به یک تجربه ملی تبدیل شده است. برجام بار دیگر این فرضیه را به اثبات رساند که نمی‌توان به غرب و به آن سوی مرزها چشم امید داشت بلکه برای حل مشکلات و پیش بردن کشور باید متکی به قدرت درونی و استعدادهای داخلی بود. البته در کنار این درس بزرگ و این راهبرد غیر قابل تغییر که باید در کانون سیاست گذاری کشور قرار گیرد، نمی‌توان و نباید از موضوع چگونگی مواجهه با توافق امضا شده میان ایران و گروه ۱+۵ به سادگی عبور کرد. جبران شدن بدعهدی‌های طرف مقابل و احقاق حقوق ملت بزرگ ایران موضوعی است که به هیچ عنوان نباید درباره آن کوتاهی کرد و حتماً حقوق ملت باید در میز مذاکره نقد شود، بدون شک این مسئله یکی از اهداف اصلی دستگاه دیپلماسی دولت آقای رئیسی خواهد بود، اما تیم جدید وزارت خارجه در چه شرایطی مسئول پیگیری پرونده هسته‌ای و برجام شده اند؟

براساس آنچه رسانه‌ها در فرایند مذاکرات احیای برجام منتشر کردند، اگرچه در وین گام‌های موثری برای توافق بر سر احیای برجام برداشته شد اما آمریکایی‌ها تحت هیچ شرایطی حاضر به دادن تضمین‌های لازم و امکان راستی‌آزمایی لغو تحریم‌ها نشدند، موضوعی که باعث شد با وجود ۷ دور مذاکرات فشرده در وین عملاً نتیجه قابل اعتنایی در این مذاکرات حاصل نشود، از این رو ایران در ادامه اقدامات قانونی خود براساس اصول برجام و همچنین طبق قانون مصوب مجلس شورای اسلامی فعالیت‌های هسته‌ای خود را با شتاب بیشتری جلو می‌برد، اما نکته شگفت‌انگیز در میان تغییر رویکرد آژانس به اصطلاح بین‌المللی هسته‌ای است، در حالی که در دوره یوکیا آمانو، مدیرکل سابق آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، همه ۱۵ گزارش آژانس هسته‌ای پایبندی کامل ایران به برجام را تأیید کرد؛ اما از زمانی که رافائل گروسی در آذر سال ۱۳۹۸ به جای آمانو دبیری آژانس را بر عهده گرفت، یا به عبارت دیگر از زمانی که ایران گام‌های کاهش تعهدات خود در برجام آغاز کرد گزارش‌های فصلی این نهاد نیز تغییر رویه داد، آژانس در این بازه زمانی بدون اینکه به حق ایران در کاهش تعهدات برجامی ایران بر مبنای ماده‌های ۲۶ و ۳۶ برجام در مقابل خروج غیرقانونی آمریکا و نقض‌های مکرر تعهدات برجامی از سوی اروپا اشاره‌ای داشته باشد، انگشت اتهام را به سمت ایران گرفت و حتی در اقدام شگفت‌انگیز با استناد به اطلاعات رژیم صهیونیستی در خصوص ذرات اورانیوم فرآوری شده در چند سایت اعلام‌نشده، بار دیگر پرونده نظامی بودن برنامه هسته‌ای معروف به PMD که بسته شده بود را روی میز آورد. آژانس کمی بعدتر نیز در باره نصب آبشار سانتریفیوژی IR-۴ و تکمیل نصب دو آبشار سانتریفیوژی ۲M-IR در نطنز نصب و آبشار سانتریفیوژی IR-۶ در نیروگاه فردو و معلق شدن برخی از بازرسی‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هشدار داد و اخیراً نیز در آخرین گزارش خود مدعی شد ایران سرعت غنی‌سازی را به سطح تسلیحاتی رسانده است. موضوعی که با بیانیه سه کشور

اروپایی علیه ایران همراه شد! تغییر روندی که همراه با بیانیه طرف های غربی حاضر در برجام تصویر جدید از آنچه غربی ها در سر دارند را پیش روی چشم ما قرار می دهد و آن عبارت است از تلاش مجدد دشمنان ملت ایران برای تغییر وضعیت پرونده هسته ای جمهوری اسلامی از یک پرونده سیاسی به یک موضوع امنیتی و نظامی!

طرح دوباره گذاره «نزدیک شدن تهران به دستیابی به سلاح هسته ای» از سوی آژانس و سه کشور اروپایی که رد پای کاخ سفید و تلاویو نیز در آن کاملا مشهود است با هدف مخابره این پیام صورت می گیرد که اگر تهران شتاب بخشی به فعالیت های هسته ای و کاهش تعهدات برجامی خود را متوقف نکند مسئله برجام از جریان امور عادی سیاسی خارج و وارد حوزه اضطراری می شود و برخوردی فوری و قاطعانه با آن صورت می گیرد. البته واضح است که این تهدیدات در کنار طرح ادامه مذاکرات همان سیاست همیشگی چماق و هویج را تداعی می کند. اما حال سوال این است که آیا این نمایش به نتیجه دلخواه طرف های غربی خواهد رسید؟

برای پاسخ به این سوال باید چند گزاره مدنظر قرار داد، اول آنکه به اعتراف دولت مردان، سیاستمداران و تحلیلگران آمریکایی و غربی کارزار فشار حداکثری کاخ سفید که با همراهی کشورهای اروپایی علیه ایران آغاز شده بود، شکست خورده است و تقریباً هیچ یک از اهداف این سیاست محقق نشده است و ایران با وجود تمام فشارها و سختی ها از این مرحله عبور کرده و اثر این سیاست آمریکایی هر روز کم رنگ تر می شود، نکته دیگر تفاوت نگاه میان اعضای برجام است، در حالی که سه کشور اروپایی مسیر مد نظر آمریکا و افزایش تنش و بحران را در پرونده هسته ای برای آنکه ایران از حقوق هسته ای خود عقب نشینی کند در دستور کار قرار دارند، روسیه و چین به عنوان دو قدرت حاضر در برجام کاملاً نگاهی متفاوت دارند و به دنبال پایان یافتن منازعه در این زمینه هستند و اقدامات ایران در کاهش تعهدات برجامی را رویکردی قانونمند در مقابل خروج غیر قانونی آمریکا دانسته و به دنبال احیای برجام در چارچوب توافق موجود هستند. نکته سوم و مهم دیگر تغییر دولت در تهران و رویکرد دولت سیزدهم برای جدا سازی مسیر اقتصادی کشور از مذاکرات هسته ای و باز کردن گره ای که متأسفانه میان اقتصاد و مذاکرات زد شد است، این به بدان معناست که اثر بخشی فشارهای سیاسی و بازی های رسانه ای در داخل ایران کاهش خواهد یافت و میدان مانور و فضا سازی دشمنان ملت ایران مانند گذشته وسیع نخواهد بود، نکته چهارم و بسیار حائز اهمیت دیگر، تغییر موقعیت و موضع ایران در مذاکرات است، ایران اکنون با کاهش تعهدات هسته ای خود در مذاکرات احتمالی آینده دست برتر را خواهد داشت و می تواند در میز مذاکره بازیگری موثرتری داشته باشد. همه این عوامل نشان می دهد بازی تکراری غرب در دور جدید از پیش شکست خورده است و آمریکا و همپیمان اش هرچقدر در بازگشت به برجام و انجام تعهدات خود در برجام تعلل کنند، بیشتر ضرر خواهند کرد و گذشت زمان به نفع ایران خواهد بود.